

مختصات فتنه در نهج البلاغه

ابوالفضل تقی‌پور*

افسانه قاسم‌پور**

چکیده

تاریخ اسلام در طول قرن‌های متمادی انواع فتنه‌ها و جریانهای متعددی از غوغاسالاری و انحراف را تجربه کرده است. حضرت علی (ع) در مجموعه سخنان خود در نهج البلاغه بارها با طرح این مساله درصدد برآمد تا بر زوایای ناپیدای انواع فتنه‌ها نور بتاباند و نقاب از چهره آنها بردارد در این مقاله پس از استخراج و بررسی غالب بیانات حضرت در این زمینه، توصیف دقیق و دایمانه امیرالمومنین از جلوه‌های فتنه و بسترهای لازم برای شکل‌گیری آن‌ها و نیز آثار و پیامدهای آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و شیوه‌های مورد نظر امام (ع) در مقابله با آنها نیز رصد شده است. امام علی هوا پرستی و ضعف در باورهای دینی و ورود بی‌خردانه به مسایل شبهه‌ناک را از مهمترین عوامل بروز فتنه می‌داند که فضای غبارآلود ناشی از آن با درآمیختن حق و باطل سبب گمراهی افراد می‌شود. ایشان برای مقابله با فتنه، تمسک به آموزه‌های قرآنی و پرهیز از شتابزدگی و برخورد محتاطانه را مورد تاکید قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، بسترهای فتنه، گمراهی، شتابزدگی.

۱. مقدمه

نهج البلاغه اثری است گرانقدر که پس از قرآن آن را نظیر و مشابهی نیست. فصاحت و بلاغت آن اساس و معیار نقد ناقدان و ترازوی سنجش سخن‌سنان گشته و مضامین و

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، altappe55@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات، دانشگاه تهران، afsaneh441pour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۸

موضوعات متعدد و فراگیر آن کمتر دردی از دردهای جامعه بشری را بی‌درمان گذاشته است. به گونه‌ای که شیعه به جرأت می‌تواند مدعی شود کلام امامش او را در برابر خلأهای فلسفی، سیاسی و اجتماعی ایمن داشته و راه رستگاری‌اش را روشن نموده است. نهج‌البلاغه قدرت باطل را در هم می‌شکند و شک و تردید را در هم می‌کوبد و فتنه‌های اوهام را خاموش می‌سازد. (محمد عبده، بی‌تا، ۹) بسیاری جامعیت مضمونی نهج‌البلاغه را مایه شگفتی می‌دانستند اما با توجه به پرورش یافتن امام علی (ع) در کنار پیامبر و سیراب شدن او از دریای معرفت موجود در قرآن و همچنین تجربه کردن رویدادهایی بزرگ نظیر فتنه قتل عثمان و پیامد آن جنگ جمل و همچنین رویارویی با معاویه در صفین و با خوارج در نهروان جامعیت مذکور امری توجیه پذیر و قابل درک می‌نماید. البته این سخن بدان معنا نیست که بر جای نهادن چنین اثری برای هر کسی که تجربه‌ای این‌گونه داشته ممکن باشد. امام علی مرد عقیده بود و اسلام آن گونه قلب و قالب او را فراگرفته بود که اندیشه موجود در سرش و سخن جاری بر زبانش و رفتار و سلوک جوارحش همه ریشه در آموزه‌های اسلام داشت. یکی از مسائلی که حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود و در دفعات متعدد با آن روبرو گشتند مسأله فتنه و فتنه‌انگیزی است به همین سبب در مواضع متعددی در نهج‌البلاغه می‌بینیم که امام درصدد نور تاباندن بر زوایای پنهان این مسأله و پرده برداشتن از ماهیت آن برآمدند. در این مقاله با استناد به آنچه که در کلام امام علی (ع) آمده، ذیل عناوین مشخص، ابتدا معنای واژه فتنه در لغت نامه، قرآن، تفاسیر مشهور و در خود نهج‌البلاغه رصد گشته و آنگاه به جلوه‌ها و مصادیق فتنه، دلایل و بسترهای بروز فتنه، اثرات و پیامدهای فتنه و بالاخره به شیوه‌های مقابله با آن، پرداخته شد.

۲. واژه «فتنه» در قرآن

ابن منظور در کتاب لسان العرب که از مهمترین معاجم لغت عرب است ذیل واژه فتنه مفاهیمی مثل امتحان، عذاب، گمراهی، رسوایی، جنگ، کفر و فریفته شدن را ذکر کرده است (ابن منظور، ۱۴۰۸هـ، ج ۱۷۸، ۱۰-۱۷۹)

راغب اصفهانی صاحب کتاب «المفردات» فتنه را به معنای افکندن در آتش، عذاب، آزمایش و گمراهی می‌داند به نظر او این عذاب یا از جانب خداست و از روی حکمت برای آزمایش بنده است و در پایان منجر به ثواب یا عقاب می‌شود و یا نتیجه بازتاب اعمال انسان است. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۴۸۲، ۴۸۱)

در زبان فارسی یافتن واژه‌ای که به طور کامل مفهوم موجود در واژه عربی فتنه را بیان کند اندکی دشوار می‌نماید. در ادبیات عرفی فارسی زبانان هنگامیکه لفظ فتنه به کار گرفته می‌شود می‌توان وجود حالتی از شیطنت، حلیه‌گری و آشوب را احساس کرد که بروز آنها در حوزه‌های مختلف خبر از وجود فتنه می‌دهد. به نظر می‌رسد همه معانی عرضه شده برای فتنه به نوعی حاوی حالتی از اختلال و اضطراب هستند از این رو شاید بتوان گفت هر چیزی که موجب اختلال و اضطراب باشد فتنه است. (شریفی، ۱۳۸۸، ۳۹)

این واژه اما در متون و مکتوبات اسلامی معانی و کاربردهای فراوان دارد و از جمله در قرآن شاهد معانی متعددی برای آن هستیم مثلاً در جایی به معنای داغ کردن و سوزاندن است [یَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ] (الذاریات، ۱۳) (روزی که آنها در آتش شوند) و در آیه پس از آن می‌خوانیم [ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ] (الذاریات، ۱۴) (عذاب خود را بچشید این همان چیزی است که با شتاب خواستار آن بودید) آن گونه که پیداست در این آیه شریفه فتنه به معنای عذاب و کیفر آمده است. واژه فتنه در آیه‌ای دیگر به معنای آزمایش و امتحان به کار رفته آنجا که می‌فرماید [اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ] (انفال، ۲۸) (بدانید که اموال و فرزندانتان وسیله آزمایش شما هستند) آیت الله دستغیب در کتاب گناهان کبیره فتنه را به معنای آشوب، سلب آرامش و آزادی و ایجاد دو دستگی در امور دنیوی و دینی می‌داند. (دستغیب، ۱۳۸۸، ۳۴۱) ابن عربی در تفسیر خود فتنه را شرک و حجاب معرفی می‌کند. (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ۲۵۳)

خسروانی صاحب تفسیر خسروی فتنه را اختبار و آزمایش و همچنین به معنای گمراهی، گناه، شرک، رسوایی و عذاب و اختلاف مردم و شورش آورده است. (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ۳۰)

قرائتی هم در تفسیر نور فتنه را به معنای شرک کفر و آزمایش و شکنجه می‌داند. (قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ۳۰۶)

علامه طباطبایی از مشاهیر تفسیر قرآن در کتاب خود «المیزان» در باب فتنه می‌گوید: «فتنه چیزی است که انسان‌ها با آن آزمایش می‌شوند و معمولاً باید تحمل آن سخت، گران و همراه با مشقت باشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹۹) ابن ابی حاتم مفسر قرآن علاوه بر اینکه فتنه را شرک می‌داند آن را امری می‌بیند که می‌تواند به صورت سلامتی و بیماری، بی‌نیازی و فقر، حلال و حرام، هدایت و رضایت خود را نشان دهد. (ابن ابی الحاتم، ۱۴۱۹ق، ۲۴۵۲)

بنابر آنچه گذشت واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن بیشتر ناظر بر دو مفهوم عذاب و آزمودن بوده و تا حدودی جدای از مفهومی است که امروزه در زبان فارسی از این کلمه مستفاد می‌شود.

۳. واژه فتنه در نهج البلاغه

امام علی در مجموعه سخنان خود در نامه‌ها، خطبه‌ها و کلمات قصار کلمه فتنه را در مفاهیمی نظیر آزمایش و امتحان، آشوب و گمراه سازی به کار برده است که از این میان فتنه به معنای ایجاد آشوب و غوغاسالاری و گمراه ساختن افراد سهم بیشتری در کلام حضرت داشته است.

در اینجا و قبل از پرداختن به دیدگاه ایشان درباره مختصات و ابعاد مختلف فتنه به معنای اخیر به مواضعی که در آنها فتنه را در دیگر معانی به کار گرفته اشاره می‌کنیم. امام در خطبه ۶۳ دنیا را جایگاه آزمودن انسان‌ها می‌داند. که در قبال هر آنچه از آن متعمم می‌شوند باید پاسخگو باشند [ان الدنيا دارٌ لا یسلّم منها الا فیها ... ابتلی الناسُ بها فتنَةً فما أخذوه منها لها أخرجوا منه و حوسبوا علیه] [نهج البلاغه، خطبه ۶۳، ۴۹] (دنیا خانه‌ای است که از گزند آن ایمنی نیست مگر در آن خانه. مردم به دنیا مبتلایند و به بونه آزمایش درآیند پس آنچه برای دنیا گرفته‌اند حساب آن بکشند).

همچنین حضرت در کلمات قصار اشعث پسر شیث را در سوگ فرزندش اینچنین تعزیت فرمود: [ابنک سرک و هو بلاءٌ و فتنَةٌ و حزنک و هو ثوابٌ و رحمه] [نهج البلاغه، حکمت، ۲۹۱، ۴۱۵] (پسرت تو را شاد می‌داشت و برای تو بلا بود و آزمایش و تو را اندوهگین ساخت و آن پاداش است و آمرزش) حضرت علی (ع) در جایی دیگر در کلمات قصارش می‌فرماید [لا یقولنّ أحدکم اللهم إني أعوذُ بک من الفتنه لأنه لیس أحدٌ إلا و هو مُشتملٌ علی فتنه و لکن من استعاذَ فلیستَعِذ من مُضلات الفتن] [نهج البلاغه، حکمت، ۹۳، ۳۷۵] (کسی نگوید که خدایا از آزمایش به تو پناه می‌برم زیرا هیچ کس گریزی از آزمایش ندارد لیکن کسی که می‌خواهد دعا کند از خدا بخواهد که او را از آزمایش‌های گمراه کننده در امان دارد)

خداوند می‌خواهد آنها را با مال و فرزند آزمایش کند تا آشکار گردد چه کسی به رزق خود راضی است و چه کسی نسبت به آن خشم می‌گیرد اگرچه خدای سبحان از دل آنها

آگاه است ولی اعمال آنها نشان خواهد داد که مستحق پاداش هستند یا مجازات (بحرانی، ۱۳۶۶، ۵۹۹).

در مثال‌های فوق مشاهده کردیم که کلمه فتنه در مفهوم آزمون و امتحان به کار گرفته شده اما در ادامه بحث به فتنه به معنای آشوب و غوغاسالاری و گمراهی خواهیم پرداخت که در نهج‌البلاغه اغلب به این معنا به کار رفته است.

۴. اهمیت روشنگری درباره فتنه

از نظرگاه اسلام قتل نفس بدون آنکه مجوز شرعی برای آن وجود داشته باشد محکوم و مردود است. اهمیت و حرمت این امر آن اندازه بالاست که در قرآن کریم می‌خوانیم [أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا] (مائده، ۳۲) (هر کس فردی را جز به قصاص قتل یا به کیفر فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته است) این آیه به بهترین و روشن‌ترین شکل ممکن درجه اهمیت مسأله را به مؤمنان متذکر شده اما در همین قرآن که قتل نفس را تا به این اندازه مهم می‌شمارد و از آن منع می‌کند. فتنه از حیث ویرانگر بودن و درجه اهمیتی که باید به آن داد در جایگاهی حتی فراتر از قتل نفس قرار می‌گیرد آن گونه که در سوره بقره در دو آیه صراحتاً بر سنگین‌تر بودن مسأله فتنه تاکید می‌شود [الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ] (بقره، ۱۹۱) [وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ] (بقره، ۲۱۷) چرا چنین نباشد هنگامیکه به نظر می‌رسد فتنه می‌تواند به از دست رفتن ایمان و سعادت جمعی از انسان‌ها و حتی در بسیاری موارد به از دست رفتن جان بسیاری از آنها منجر گردد و در اغلب مواقع به فاصله گرفتن آنها از جاده حق و حقیقت بیانجامد. از همین رو قرآن به پرهیز از فتنه فرا می‌خواند و اعلام می‌دارد که آتش فتنه، تر و خشک را با هم می‌سوزاند و فقط گریبان‌گیر عده‌ای خاص نیست [اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً] (انفال، ۲۵) (از فتنه‌ای که تنها به ستمگران شما نمی‌رسد بترسید) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه همه امت اسلامی را مخاطب آن می‌شمارد و بر این اساس آنها را موظف به جلوگیری از بروز فتنه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۵).

از مهمترین دغدغه‌های حضرت علی (ع) در طول دوران پس از رحلت پیامبر (ص) این بود که تا سر حد امکان جامعه را از فرو رفتن در آتش فتنه باز بدارد و از انحراف‌های عقیدتی و سیاسی جلوگیری نماید و از همین روست که در جای جای نهج‌البلاغه می‌توان

ردی از کلمه فتنه را جستجو کرد. در ادامه بحث ویژگی‌های ظاهری فتنه و به تعبیری هیأت و رنگ و لعاب فتنه و فضای ظهور آن از نگاه حضرت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵. جلوه‌های فتنه

امام علی (ع) که تجربه رویارویی با فتنه‌های متعددی را در طول حیات خود داشت ویژگی‌های فتنه را به دقت رصد نمود و در کلام خویش با بهره‌گیری از ابزارهای بلاغت به بهترین شکل ممکن آنها را به مخاطبان خود عرضه کرد. امام آمدن فتنه را به قدم گذاشتن فردی ناشناس مانند می‌داند که ناغافل و بدون آن که کسی انتظارش را بکشد از جایی که کسی گمانش را نبرد وارد می‌شود [تبدأ فی مدارجِ خفیه] (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱، ۱۴۷) (از رهگذرهای نهانی درآید).

فتنه سیمای خوشی دارد که طراوتش به طراوت نوجوانی مانند است اما اثری که از پی آمدنش برجای می‌ماند چون نقش سنگی است که از بین بردن آن بر همگان دشوار آید. [شبایها ک شباب الغلام و آثارها ک آثار السلام] (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱، ۱۴۷) (آغازش چون عنفوان جوانی خوش و دلربا؛ آثارش چون نشانه‌هایی که از ضربت سنگ پدید آید) هنگامیکه فتنه می‌آید چنان حق جلوه می‌کند که کمتر کسی به باطل بودن آن رأی می‌دهد و فقط هنگام رفتن آن است که چهره حقیقی‌اش آشکار می‌گردد و مکر و فریبش هویدا می‌شود [إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ و إِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ يُنْكَرَنَّ مُقْبَلَاتٍ و يُعْرَفَنَّ مُدْبِرَاتٍ] (نهج البلاغه، خطبه ۹۳، ۸۶) (همانا فتنه‌ها چون روی آورد باطل را به صورت حق آراند و چون پشت کند حقیقت چنانکه هست نماید فتنه‌ها چون روی آرد شناسندش چون بازگردد داندش)

فتنه‌ها هنگامیکه می‌آیند همانند حیوانی چموش و سرکش که رم کرده باشد همه چیز را زیر پای خود می‌گیرند و در این بین طرفه آن است که حتی عقلای قوم هم مدهوش و سرگشته حرکات ویرانگر آن می‌شوند و مقاومتی در برابر آن نشان نمی‌دهند [قَبْلَ أَنْ تَشْغَرَ بِرِجْلِهَا فِتْنَةٌ تَطَأُ فِي خِطَامِهَا و تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا] (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹، ۲۰۶) (پیش از آنکه فتنه‌ای بیاید که همچون شتر بی صاحب گام بردارد و مهار خود پایمال کند و مردمان را بکوبد و عقل صاحبان خرد ببرد)

امام علی در جایی دیگر و در توصیف هولناک بودن جریان فتنه سیمای آن را از قبل ناپیدا بودن سر درون به شبی سیاه مانند می‌داند که گم گشتن راه مقصود نتیجه بدیهی آن

خواهد بود و نیز آن را به دریایی موج و متلاطم شبیه می‌داند که نجات از مهلکه آن در توان هر کسی نخواهد بود. [أَفْبُلْنَ كَاللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ الْبَحْرِ الْمُتَلَطِّمِ] (نهج البلاغه، خطبه، ۱۰۱، ۹۳) (چون شب تار و دریای زخار روی آرد)

فتنه‌ای که امام علی چنین چهره‌ای را از آن به تصویر می‌کشد برای بروز یافتن و سر پا ایستادن به بسترهایی نیاز دارد که در ادامه به عوامل شکل‌گیری این بسترها می‌پردازیم.

۶. عوامل بستر ساز برای بروز فتنه

پیامبر اکرم (ص) مال اندوزی را مهمترین فتنه و فریبی می‌داند که دامان امتش را می‌گیرد [إنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةٌ وَ فِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ] (محمّدی ری شهری، ۱۳۴۱ق، حدیث ۱۵۷۲۵) پیرو این آموزه نبوی حضرت علی (ع) نیز پیروی از هواهای نفسانی را سرآغاز و منشأ بروز انواع فتنه‌ها می‌پندارد. [طَلَبُ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنَةِ] (دنیا خواهی سرآغاز فتنه است). (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ۳۸۱) و در جای دیگر با استفاده از کلمه انما که در لغت عرب به معنای حصر است هوای نفس را تنها عامل بستر ساز فتنه می‌شمارد [إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ] (نهج البلاغه، خطبه، ۵۰، ۴۳) (همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها پیروی خواهش‌های نفسانی است) عقیده‌ای که سالها بعد در کلام امام صادق (ع) نیز تبلور می‌یابد آنجا که می‌فرماید: « دنیا دوستی سرآغاز همه فتنه‌هاست. » (نجفی، ۲۸۸، ۱۴۲۳) پی جویی هوای نفس و خواهش‌های فردی آنجا مهلک‌تر و دردناک‌تر خواهد بود که بزرگان قوم در بلعیدن منافع و مصالح به رقابت با یکدیگر برخیزند و دست به کار نابودی هم شوند [يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دُنْيَةٍ وَ يَتَّكَلَبُونَ عَلَي جِيْفَةٍ مُرِيحُهُ عَنْ قَلِيلٍ يَتَبَرَّأُ التَّابِعُ مِنَ الْمَتَّبِعِ وَ الْقَائِدُ مِنَ الْمَقُودِ فَيَتَزَايَلُونَ بِالْبَغْضَاءِ وَ يَتَلَاعَنُونَ عِنْدَ اللَّقَاءِ ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ طَالِعُ الْفِتْنَةِ الرَّجُوفِ وَ الْقَاصِمَةُ الزَّحُوفِ] (نهج البلاغه، خطبه، ۱۴۸، ۱۵۱) (بر سر دنیای دون بر یکدیگر پیشدستی نمایند و چون سگان این مردار گندیده را از هم ربایند و دیری نباید که تابع از متبوع بیزار باشد و امیر از مأمور در آزار دشمنانه از هم جدا شوند با لعنت یکدیگر را دیدار کنند پس فتنه سر برآرد سخت لرزاننده، درهم کوبنده و خزان خزان رونده)

امام علی (ع) ضعف در باورهای دینی را عامل دیگر بروز فتنه می‌داند. روزی که از دین فقط نام و رویه آن در جامعه مشاهده شود و مدعیان و منتسبان به دین را در جمع بدان روزگار ببینیم. در آن هنگام است که بستری دیگر برای شعله ور شدن آتش انواع فتنه‌ها فراهم گردد [يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ

مَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سَكَانُهَا وَ عَمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ [نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹، ۴۲۶] (مردم را روزگاری فرا رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمینند و فتنه از آنها خیزد) امام همچنین ورود به مسایل شبهه ناک و مواضعی که حق و باطل در آن پیدا نیست را از عوامل بروز فتنه می‌داند و از این کار منع می‌کند [فاحذِر الشبهه و اشتِمَالها علی لُبْسَتِهَا فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أُغْدِفَتْ جَلَابِيْبِهَا وَ أُغْشَتِ الْأَبْصَارُ ظُلْمَتُهَا] [نهج البلاغه، نامه، ۶۵، ۳۵۰] (از شبهت و آمیختگی آن به حق و باطل بپرهیز که روزگارانی است فتنه پرده افکنده و تیرگی‌های آن دیده‌ها را پوشانده)

۷. اثرات و پیامدهای فتنه

امام (ع) آن گونه که در کلام خود بسترها و عوامل بروز فتنه را معرفی می‌کند به آثار و نتایج آن نیز می‌پردازد. و از جمله آمیخته شدن حق با باطل را از آثار اصلی فتنه می‌داند آنجا که طوفان فتنه وزیدن می‌گیرد و غبار به پا شده ناشی از آن مانع دیدن حقایق می‌شود [يَحْمُنُ حَوَمَ الرِّيحِ] [نهج البلاغه، خطبه ۹۳، ۸۶] (چون بادهای گرد گردانند) شرایطی که افراد از هر طیف و گروهی و با هر شرایطی راه را گم می‌کنند [يَضِيعُ فِي غَبَارِهَا الْوُحْدَانُ وَ يَهْلِكُ فِي طَرِيقِهَا الرُّكْبَانُ] [نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱، ۱۴۸] (تکروان از غبار آن فتنه تباه گردند و سواران درونش به هلاکت رسند) فتنه گران با درآمیختن حق و باطل تمیز دادن آنها را برای بینندگان و مخاطبان دشوار می‌سازند و اینگونه است که راه برای مطرح شدن آراء ناصواب و تصمیمات پرشتاب هموار می‌شود [لَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُؤْتَدِينَ ... وَ لَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمِزُجَانُ فَهِنَالِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ] [نهج البلاغه، خطبه ۵۰، ۴۳] (پس اگر باطل با حق در نیامیزد حقیقت جو آن را شناسد و داند ... لیکن اندکی از این و آن گیرند تا به هم درآمیزد و شیطان فرصت یابد بر دوستان خود چیره شود) به هنگام فتنه گمراهی و تفرقه و تشتت آراء حاصل می‌شود و حتی آنها که سالیان متمادی به سلامت دل و عقل و استواری معروف بودند به انحراف کشیده می‌شوند. [فَتَزِيغُ قُلُوبٌ بَعْدَ اسْتِقَامَةٍ وَ تَضِلُّ رِجَالٌ بَعْدَ سَلَامَةٍ وَ تَخْتَلِفُ الْأَهْوَاءُ عِنْدَ هِجُومِهَا وَ تَلْتَبِسُ الْأَرْأَاءُ عِنْدَ نَجْوِمِهَا] [نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱، ۱۴۸] (دلها پس از پایداری دو دلی پذیرند و مردانی که سلامت مانده بودند گمراهی پیش گیرند به هنگام

هجوم فتنه هوا و هوس‌ها گونه‌گون بود و بسیار و به وقت پدید شدن آن رأی درست به نادرست آمیخته گردد (فتنه که می‌آید خرد و عقل ناتوان و سست می‌شود و مجال جولان دادن و قدرت گرفتن ظالمان فراهم می‌گردد) [تَغْيِضُ فِيهَا الْحِكْمَةَ وَ تَنْطِقُ فِيهَا الظُّلْمَةَ] (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱، ۱۴۸) (چشمه‌های حکمت خشکیده و ستمگران در آن به سخن آیند). فضای فتنه رشته‌های قرابت دوستان را می‌گسلد و همه چنان در آن گرفتار آیند که گویی از این منظر تفاوتی میان حامیان فتنه و مخالفان آن نباشد [تُقَطَّعُ فِيهَا الْأَرْحَامُ ... بَرِيئُهَا سَقِيمٌ وَ ظَاعُنُهَا مَقِيمٌ] (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۸، ۱۵۱) (پیوند خویشاوندی در آن بریده باشد ... آن که از فتنه به کنار است از آسایش بیمار است و آن که خواهد خود را برهاند نتواند و هم در آن بماند) مستولی شدن فتنه بر فضای جامعه آن هنگام که هیچ مانعی در برابر خود نیافت و سایه خود را بر همه جا گستراند چنان تحولی را موجب می‌گردد که شاید باورش در قبل از وقوع فتنه برای اهل همان جامعه ناممکن باشد فضایی که امام (ع) آن را اینگونه توصیف می‌کند [عِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَأْخَذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرْكَبَهُ ... وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومِ وَ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابَّوْا عَلَى الْكُذْبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ] (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ۱۰۲) (در این هنگام است که باطل بر جای استوار شود و نادانی بر طبیعتها سوار ... و باطل آرمیده برخیزد و چون شتر نر بانگ بردارد مردم در گناه برادر و یار شوند و در کار دین جدایی پذیرند. در دروغ با هم دوست باشند و در راست یکدیگر را دشمن گیرند)

۸. ابزارها و شیوه‌های مقابله با فتنه

امام علی (ع) در کنار تصویری که از چهره فتنه و فتنه‌گران ارائه می‌دهد و به بسترهای شکل‌گیری آن اشاره می‌کند راه مقابله با آن را نیز عرضه می‌دارد راهی که جز از چشمه ایمان و تقوا و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن نشأت نمی‌گیرد. امیر مؤمنان تقوا را گریزگاه اصلی انسان از دام تاریک فتنه‌ها می‌پندارد و قاطعانه می‌فرماید [اعلموا أنه من يتق الله يجعل له مخرجاً من الفتن و نوراً من الظلم] (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴، ۱۸۳) (و بدانید آن که از خدا بترسد خدا برای او راه خروج از فتنه‌ها قرار دهد و نوری که در تاریکی بدان راه برد) آموزه‌ای که قرآن آن را از استوارترین راهها می‌شمارد [إن تصبروا و تتقوا فإن ذلك من عزم الأمور] (آل عمران، ۱۸۶)

صبوری کردن نیز آن گونه که در آیه بالا ذکر شده می‌تواند شیوه‌ای برای مقابله باشد و

از همین رو امام در مقابله با فتنه‌ها برخورد محتاطانه را که خود ناشی از شکیبایی است توصیه می‌نماید. [لَا تَقْتَحِمُوا مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ قَوْرِ نَارِ الْفِتْنَةِ] (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷، ۲۰۴) (بی‌اندیشه وارد آتش فتنه نشوید) محمد خوانساری در ترجمه غررالحکم و دررالکلم درباره این سخن امام علی (ع) می‌نویسد: «مراد این است که اگر براهی بروید که فتنه بر سر آن باشد بی‌رویه در آن داخل نشوید بلکه کنار بکشید و راه را خالی گذارید و این باعتبار این است که صاحب فتنه متوجه جاده است و از آن می‌آید پس هر که از آن راه برود گرفتار آن می‌شود و اگر کنار کند به آن برخورد (خوانساری، ۱۳۶۶، ۳۲۱)

پیامبر (ص) نیز صراحتاً قرآن را در شبهات و امور فتنه برانگیز ملاک عمل قرار می‌دهد و به پیروی از دستورات آن امر می‌کند [اِذَا التَّبَسُّطُ عَلَيْكُمْ فِ الْفِتْنِ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ] (محمدی ری شهری، ۱۴۱۳ق، حدیث ۱۶۱۱۰) (اگر فتنه هاهمچون شب تاریک شمارا فرا گرفتند به قرآن رجوع کنید) حضرت علی مکرر در نهج البلاغه به پی جویی نور هدایت در قرآن فرامی‌خواند و این کتاب آسمانی را روشنایی بخش تاریک راههای زندگی بشر می‌داند [أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ الْكِتَابَ تَبَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ] (نهج البلاغه، خطبه ۶۸، ۸۶) (قرآن را که بیان دارنده هرچیز است بر شما فرستاد) امام در موضع دیگر می‌فرماید: [وَأَرَادَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يُضِلُّعَك مِنَ الْخَطُوبِ وَيَشْتَبِهَ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ... فَالرَّذَى إِلَى اللَّهِ الْإِخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ] (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۳۳۲) (آنجا که کار بر تو گران شود دشوار و حقیقت کارها ناآشکار، بخدا و رسولش باز آر... باز گرداندن به خدا گرفتن محکم کتاب او قرآن است) پرواضح است که دعوت حضرت علی به تاسی از قرآن همان ارجاع به قانون و تمسک به اصل قانون‌گرایی است که می‌تواند جامعه را از گرفتار آمدن در چنگال فتنه‌ها بازدارد و به عنوان فصل الخطاب، عامل وحدت بخش میان طبقات مختلف جامعه اسلامی باشد.

از دیگر توصیه‌های امام در فضای فتنه که به نوعی ناشی از همان توصیه به صبوری و عدم شتابزدگی است اتخاذ سیاستی است که از رهگذر آن نه به جریان فتنه کمکی شود و نه فرد در معرض آسیب‌های آن قرار گیرد [كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرٌ فَيُرْكَبُ وَلَا ضَرْعٌ فَيُحْلَبُ] (نهج البلاغه، حکمت ۱، ۳۶۱) (هنگام فتنه چون شتر دو ساله باش نه پشتی تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش دوشند)

تأکید امام بر رفتار هوشیارانه در فضای پرفریب فتنه امری بود که مکرراً از جانب مسلمین زمان ایشان و بویژه پس از شهادت ایشان به بوته فراموشی سپرده شد و حافظه تاریخی شیعه نمونه‌های بسیاری را به یاد دارد که عدم تمسک به این توصیه خسارت‌های

سنگینی را بر مسلمین وارد آورد. امام از سویی تمسک به تعالیم اهل بیت را نیز راه نجات از فتنه‌ها برمی‌شمارد [ایها الناس شققوا امواج الفتن بسفن النجاه] (نهج البلاغه، خطبه ۵، ۱۲) (ای مردم موجهای فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات بشکافید) ناگفته پیداست که کشتی‌های نجات مسلمین اهل بیت رسولند آن گونه که حضرت علی هم در موضعی می‌فرماید [نحن الشعار و الأصحاب و الخزنة و الأبواب و لا تؤتی البيوت إلا من أبوابها] (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲، ۱۵۴) (ما خاصگان و یاران و گنجوران نبوت و درهای رسالتیم در خانه‌ها جز از درهای آن نتوان در شد

۹. نتیجه‌گیری

امام علی (ع) در نهج البلاغه به صورتی روشن و با بهره‌گیری از ابزارهای بلاغت و بویژه با استفاده از تشبیهات و استعاره‌های محسوس و ارائه مثال‌هایی قابل فهم برای همگان فتنه و اوصاف آن را مجسم نمود. در نهج البلاغه که سراسر گفتار حکمت آمیز آن امام است تجربیات متعددی درباره فتنه‌های مختلف صدر اسلام وجود دارد که واکاوی آنها و بررسی شرایط و عوامل بروز هر کدام می‌تواند جامعه اسلامی امروز را از افتادن در دام فتنه‌های مختلف باز بدارد و چراغ راهی برای دیدن راه باشد. تشخیص فتنه و فضای آن و تشخیص عوامل و بستریایی که به بروز فتنه می‌انجامد معمولاً با توجه به غبار آلود بودن جو جامعه فتنه زده دشوارترین مرحله مقابله با فتنه است که امام با برشمردن مختصات این فضا بیانات روشنگرانه‌ای را عرضه داشتند که در همه اعصار و قرون می‌تواند موجب بصیرت‌افزایی باشد در این زمینه تأکید مکرر امام بر فریبنده بودن فتنه و فتنه‌گر به گونه‌ای که حتی عقلای قوم نیز گرفتار این فریب می‌شوند اشاره‌ای به اهمیت میزان توجه به مسأله است و این نکته که کسی نمی‌تواند بدون هوشیاری و حساسیت خاص و ریزبینی خود را بری از آسیب‌های فتنه بداند چون آن گونه که حضرت می‌فرمایند فتنه‌ها به هنگام آمدن ناشناس و فقط به هنگام رفتن آشنا و مکشوفند.

امام در بحث بسترها و عوامل شکل‌گیری فتنه‌ها هواپرستی و دنیادوستی و همچنین ضعف در باورهای دینی و ورود بی‌خردانه به مسائل شبهه ناک را از عوامل فتنه‌انگیزی می‌داند و نسبت به آنها هشدار می‌دهد عواقب فتنه دیگر مسأله‌ای است که مصادیق آن را در مواضع مختلفی در نهج البلاغه می‌یابیم. در آمیختن حق و باطل در غبار به پا شده از طوفان فتنه و تعمد فتنه‌گران در به هم درآمیختن آنها از نظرگاه امام اصلی‌ترین پدیده‌ای

است که موجب تیرگی دلها و گمراهی مؤمنان می شود آن گونه که با زمین گیر شدن حق و اصحاب آن شتر باطل چهل نعل بتازد چشمه خرد و حکمت در آن فضا خشک شود و دروغ مقدس گردد و راست مطرود باشد. امام در باب شیوه مقابله با فتنه بصیرت و پرهیز از شتابزدگی را مطرح می کنند تا که مؤمن بازیچه و مورد سوء استفاده فتنه گران قرار نگیرد. در این زمینه امام تمسک به آموزه های قرآنی و مراجعه به اهل بیت را به سان محوری برای قانون گرایی توصیه می کنند و این مراجع را فصل الخطاب و راه اصلی برون رفت از فتنه ها می دانند.

کتاب نامه

- ۱- قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، چاپ چهارم، تهران: دارالقرآنالکریم .
- ۲- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ۳- ابن عربی، ابو عبدالله محیی الدین محمد (۱۴۲۲ ق). تفسیر ابن عربی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۴- بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۶۶). اختیار مصباح السالکین، مصحح محمد هادی امینی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۵- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸). غرورالحکم و دررالکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۶۶). شرح غرورالحکم و دررالکلم، مصحح میرجلال الدین محدث، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- دستغیب شیرازی، حاج سید عبدالحسین (۱۳۸۲). گناهان کبیره، تصحیح سید محمد هاشم دستغیب، قم، دارالکتاب جزائری.
- ۸- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد (بی تا). المفردات فی غریب القرآن، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز .
- ۹- رضی، سید شریف (۱۳۷۴). نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۱۰- شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲ ق). تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالبلاغه للطباعة والنشر.
- ۱۱- شریفی، احمد حسن (۱۳۸۸). موج فتنه، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان .
- ۱۲- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
- ۱۳- عبده، محمد (بی تا). شرح نهج البلاغه، مصحح عبدالحمید محمد محیی الدین، قاهره: مطبعة الاستقامة.
- ۱۴- قرائتی، محسن (۱۳۸۲). تفسیر نور، چاپ چهارم، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- ۱۵- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۳ ق) میزان الحکمه، الطبعة الرابعة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۱۶- نجفی، هادی (۱۴۲۳ ق) موسوعه احادیث اهل البيت، بیروت: دارحیاء التراث العربی.